

## تحلیلی بر دو اثر با موضوعی همسان از گوستاو کلیمت و اگن شیله با تأکید بر مفاهیم نمادین رنگها

### چکیده

زندگی بشر آکنده از نماد است. در عرصه هنر رنگها از دیرباز معنایی نمادین داشته‌است. در اواخر قرن نوزدهم، نهضت نمادگرایی با بیانیه نمادگرایان در فرانسه آغاز گردید و نقاشی ایده‌ها به وسیله آلبرت اوربر در پیوند با هنرهای تجسمی تعریف شد. گوستاو کلیمت، از نقاشان سبک سمبولیسم بود. وی کوشید همانند شاعری پراحساس، مفاهیم کلی و انتزاعی مانند زندگی، مرگ، موسیقی، شهوت و حسادت را با خطوط و رنگهای نمادین مجسم کند. اگن شیله -نقاشی با سبک اکسپرسیونیسم- از شاگردان وی بود و از سبک سمبلیستی استادش متأثر بوده‌است. نگارندگان با روش پژوهش توصیفی تحلیلی و روش اسنادی به گردآوری اطلاعات پرداخته‌اند تا به پرسش اصلی پژوهش پاسخ دهند. این پژوهش، به بررسی تطبیقی رنگهای نقاشی «بوسه» اثر گوستاو کلیمت و نقاشی «کاردینال و راهبه (مراقبه)» اثر اگن شیله می‌پردازد که در ارتباط با هدف پژوهش حاضر است. پرسش پژوهش این است که دو نقاشی مذکور از منظر معنای نمادین رنگها چه تأثیری بر روی درک احساسی مخاطب می‌گذارند؟ دستاورد پژوهش نمایانگر آن است که دو اثر هنری با آنکه موضوع یکسانی دارند ولی هنرمندان در گزینش رنگها به مقصود و احساسات خود توجه کرده‌اند. با توجه به گزینش رنگها، یک اثر حس نگرانی و ترس و اثر دیگر، حس علاقه و عشق را به مخاطب القا می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** سمبولیسم، اکسپرسیونیسم، گوستاو کلیمت، اگن شیله، نماد، رنگ.

### فاطمه غفوری

کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، نویسنده مسئول.

fatemeh.ghafoori68@gmail.com

### یوسف منصورزاده

دانشیار گروه موزه شناسی، مرکز عالی میراث فرهنگی، تهران، ایران.

mansoorzade@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰-۱۱-۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱-۰۳-۰۷

1-DOI: 10.22051/PGR.2022.39371.1130

## مقدمه

با توجه به فرهنگ، شرایط اجتماعی و جغرافیای هر مکان، سبک‌ها و تکنیک‌های هنری خلق شده‌اند. سمبولیسم<sup>۱</sup> واکنشی نسبت به مکتب امپرسیونیسم و نیز اصول رئالیسم بود. همچنین اکسپرسیونیسم واکنشی نسبت به سمبولیسم بود. سمبولیست‌ها، تمام مقصود خود را به وسیلهٔ نماد منتقل می‌کردند. اکسپرسیونیست‌ها، عواطف و احساسات خود به ویژه ترس، نگرانی و عشق را با رنگ بیان می‌کردند؛ در بهره‌گیری از رنگ و ترسیم شکل اغراق می‌نمودند. رنگ، جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان‌ها و هنرمندان دارد. با دیدن رنگ‌های به‌کاررفته در هنر هر فرهنگ و جامعه‌ای، می‌توان به احساسات مردمان آن فرهنگ پی برد. رنگ‌ها می‌توانند وضعیت روحی فرد را تعریف کنند و همچنین هاله یا انرژی ویژه‌ای را در اتمسفر شکل دهند. رنگ از زمان‌های بسیار دور در زندگی انسان‌ها وجود داشته‌است. تا پیش از قرن نوزدهم، فقط تعدادی رنگ و مواد رنگی شناخته شده بودند که بیشتر آن‌ها ریشهٔ آلی داشتند و بسیار گران بودند، ولی امروزه انسان‌ها با مواد مصنوعی، رنگ‌های گوناگون و ارزان‌تری تولید می‌کنند. رنگ‌ها در تمام زندگی انسان وجود دارند، بسیار مهم‌اند و جزئی از زندگی بشر به‌شمار می‌آیند. رنگ‌های دیدنی و مرئی، تأثیرهای گوناگونی روی طبیعت و ذهن انسان دارند. هر رنگ در هر مکانی کاربرد و معنایی دارد. برداشت و تفسیر هر رنگ، در هر فرهنگی متفاوت است. نمادپردازی رنگ، امری جهانی است و از مهم‌ترین نظام‌های نمادین انسان به‌شمار می‌آید. رنگ‌ها چیزی را القا می‌کنند که نماد آن است. جامعه آماری این پژوهش تابلوی نقاشی «بوسه»<sup>۳</sup> گوستاو کلیمت<sup>۲</sup> و تابلوی نقاشی «کاردینال و راهبه (مراقبه)»<sup>۴</sup> اثر اگن شیله<sup>۵</sup> است. نگارندگان در این پژوهش به بررسی تطبیقی رنگ‌های نقاشی «بوسه» اثر گوستاو کلیمت و نقاشی «کاردینال و راهبه (مراقبه)» اثر اگن شیله می‌پردازند که هدف این پژوهش است. همچنین، اینکه دو نقاشی مذکور از منظر معنای نمادین رنگ‌ها چه تأثیری بر روی درک احساسی مخاطب می‌گذارد؟

## پیشینه پژوهش

این پژوهش با توجه به پیشینهٔ خود می‌کوشد تا به مطالعه تطبیقی رنگ‌های نقاشی «بوسه» اثر گوستاو کلیمت و نقاشی «کاردینال و راهبه (مراقبه)» اثر اگن شیله بپردازد که هدف این پژوهش است. همچنین این دو نقاشی از منظر معنای نمادین رنگ‌ها چه تأثیری بر روی درک احساسی مخاطب می‌گذارد؟ پژوهش‌هایی که در ارتباط مستقیم با عنوان مقاله

حاضر باشد، یافت نشد؛ به همین سبب، پژوهش‌هایی را که از جنبه‌های مختلفی توانسته‌اند با این موضوع مرتبط باشد و در راستای این پژوهش بودند، مورد بررسی قرار دادیم. در ادامه به مرور این پژوهش‌ها می‌پردازیم.

بید پاتریک (۲۰۱۱) در کتابی با نام «کلیمت» به شرح نقاشی بوسه، بیشتر به ترکیب‌بندی و حالات چهره‌های پیکره‌ها پرداخته‌است. سلسدون استر و ژانت زینگبرگر (۲۰۱۱) در کتابی به نام «اگن شیله» به شرح مدل این نقاشی، زندگی شیله و شباهت کاردینال به خود شیله پرداخته‌اند.

همچنین، علی‌اصغر قره‌باغی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با نام «گوستاو کلیمت، جلوه‌گاه هنر کمپ» که در نشریه هنرهای تجسمی به چاپ رسیده‌است، به شرح هنر و سبک هنری او و به بررسی برخی از آثارش پرداخته‌است. در مقاله دیگری که در نشریه هنرهای تجسمی متعلق به گوستاو کلیمت بوده و با عنوان «عشق و مرگ» نوشته‌است، به طور مختصر به شرح زندگی، سبک هنری و آثارش پرداخته‌است. این اثر، به وسیلهٔ مهتاب وکیل ترجمه شده‌است. شیدا حسامی و سید نظام‌الدین امامی فر (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه نشانه‌شناختی تصویری در پوسترهای دهه اخیر با تأکید بر بن‌مایه‌های نگارگری ایران»، به بررسی میزان اثربخشی تصاویر در انتقال پیام و تأثیرگذاری آن بر مخاطب یا مخاطبان پرداخته‌اند. مقاله‌ها و کتاب‌های مورد اشاره به شرح آثار و زندگی کلیمت و شیله پرداخته‌اند. در هیچ یک از مقاله‌ها و کتاب‌های دیگر، مفاهیم نمادین رنگ‌های به‌کاررفته در نقاشی «بوسه» کلیمت و نقاشی «کاردینال و راهبه» شیله بررسی نشده‌است و نگارندگان در این پژوهش بر آن‌اند به این امر بپردازند.

## روش پژوهش

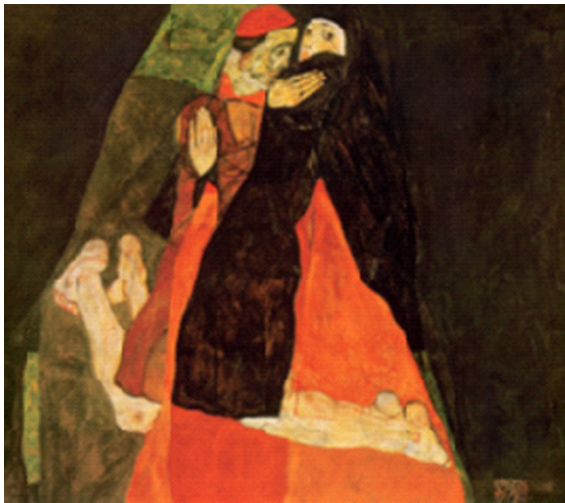
مقاله حاضر بر پایهٔ گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و با هدفی بنیادین و روش توصیفی تحلیلی می‌کوشد تا در راستای هدف پژوهش، به پرسش پژوهش پاسخ دهد. همچنین، با تکیه بر روش تطبیقی هم‌زمانی و تاریخی و همچنین با بررسی جامعه آماری این پژوهش اشتراک و افتراق ظاهری، مفهومی و نمادین این دو تابلوی نقاشی مشخص شود. این پژوهش، از نوع کیفی است. جامعه آماری این پژوهش دو تابلوی نقاشی، از دو هنرمند با سبک سمبولیسم و اکسپرسیونیسم بوده که مشتمل‌اند بر تابلوی نقاشی «بوسه» (تصویر ۱) اثر گوستاو کلیمت و تابلوی نقاشی «کاردینال و راهبه (مراقبه)» (تصویر ۲) اثر اگن شیله. نمونه‌گیری این پژوهش به صورت هدفمند و با گزینش دو تابلوی

اشاره تحلیل می‌شوند.

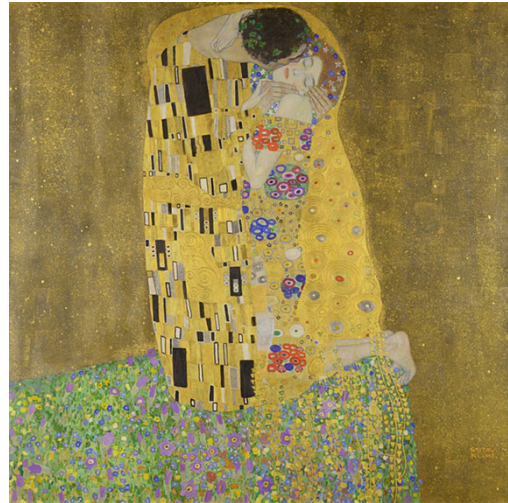
### سمبولیسم (نماد آفرینی)

پایان قرن نوزدهم، دوره کامیابی‌های بزرگ و آسودگی خاطر همگان بود (گامبریچ، ۱۳۸۷: ۵۲۳). هدف اصلی هنرمندان اوایل قرن بیستم، مطرح کردن یک فضای تجربی در عالم هنر بود. نقاشان و مجسمه‌سازان از تولید پرهیز می‌کردند و آن‌ها آزمایش‌های شجاعانه با مواد و مصالح، تکنیک‌ها و شیوه‌های آرایش عناصر

نقاشی از دو هنرمند با سبک سمبولیسم و اکسپرسیونیسم است، انجام شده‌است. به این سبب که موضوع دو اثر همسانی دارند، اما هر هنرمند رنگ‌هایی را انتخاب کرده‌است و هر رنگی معنایی نمادین دارد و این رنگ‌ها در درک احساسی مخاطب تاثیر نهاده‌است. این پژوهش، نخست با روش توصیفی به تعریف هنر مدرن غرب، سمبولیسم، اکسپرسیونیسم، مفاهیم نمادین رنگ‌ها و زندگی‌نامه کلیمت و شیله می‌پردازد، سپس، مفاهیم نمادین رنگ‌های به‌کاررفته در دو تابلوی نقاشی مورد



تصویر ۲: آگن شیله، کاردینال و راهبه (مراقبه)، ۱۹۱۲ م.، رنگ روی بوم، ۸۰ × ۶۹ س.م.، مجموعه لئوپولد، موزه لئوپولد، وین (Selsdon and Zwingerberger, 2011: 130)



تصویر ۱: گوستاو کلیمت، بوسه، ۱۹۰۷-۱۹۰۸ م.، رنگ روغن روی روغن بوم، ۱۸۰ × ۱۸۰ س.م.، گالری بلودر، وین (Bade, 2011: 45)

ویژه سده نوزدهم و به بیانی رفتار رومانتیک‌ها بودند و پست امپرسیونیست‌ها این ویژگی را از آن‌ها می‌گیرند و با شدت بسیاری ادامه می‌دهند. در سال ۱۸۹۱ منتقدی به نام آلبر اوریبه این اصطلاح را در توصیف نقاشی گوگن و وان گوگ به کار برد. در سمبولیسم، ذهنیت رومانتیسیسم، جنبه بنیادی پیدا کرده؛ این تغییر ادامه یافته و در هنر سده بیستم هم تداوم دارد (یک گروه از نقاشان سمبولیست، خود را نبی‌ها [پیامبران، از ریشه عبری] می‌نامیدند). نمونه‌ای از برابری شکل‌های تخت و شکل‌های انعطاف‌پذیر، نقاشی زندگی و مرگ [۱۹۰۸ و ۱۹۱۱، رنگ روغن روی بوم، ۱۷۵ × ۱۹۵ س.م.، مجموعه مارینا برلوتنر، سالزبورگ] اثر گوستاو کلیمت است (گاردنر، ۱۳۸۱: ۶۱۶). در نتیجه، سمبولیسم را می‌توان هنر بیان افکار و عواطف نه از راه شرح مستقیم، نه به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آن‌ها

انجام می‌دادند (سیرلوت، ۱۳۸۳: ۲-۳). سمبولیسم، جنبشی بدون انسجام در هنر بود که در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ در پیوندی نزدیک با جنبش ادبی سمبولیستی در شعر فرانسه شکل گرفت (چیلورز و آزیورن، ۱۳۸۰: ۹۹). معنای تحت‌اللفظی سمبولیسم، نمادگرایی است. هدف سمبولیسم از بین بردن کشمکش بین دنیای مادی و معنوی است (همان: ۹۹). این واژه را می‌توان برای توصیف هر شیوه بیانی به کار برد که به جای اشاره مستقیم به موضوعی، آن را غیر مستقیم و به واسطه موضوع دیگری بیان کرد. سمبولیسم فقط قرار دادن یک موضوع به جای یک موضوع دیگر نیست (چدویک، ۱۳۷۵: ۹). سمبولیسم، به معنای آشکار ساختن شی یا فکری به وسیله شی یا فکر دیگری است (لوشر، ۱۳۸۹: ۷۹). گوگن، وان گوگ، مونک، انسور، تولوز لوترک و هم‌دوره‌هایش، همگی آگاهانه در جستجوی آزادی بیان

و استفاده از نمادهای بدون شرح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده معرفی کرد (چدویک، ۱۳۷۵: ۱۱).

### اکسپرسیونیسم

اصطلاحی که برای توصیف آثاری به کار می‌رود که هنرمند در آن‌ها، برای بیان عواطف یا حالات درونی، دست به کژنمایی واقعیت زده‌است. این جنبش در فرانسه شروع شد و تقریباً همزمان در چند کشور اروپایی گسترش یافت. منتقدان آلمانی از این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۱۱ در مورد فووها، کوبیست‌های اولیه و نقاشان دیگری که با امپرسیونیسم و هرگونه تقلید از طبیعت مخالف بودند؛ بهره گرفتند. از مشخصه‌های این جنبش توجه به امکانات بیانی خط، شکل و رنگ است (پاکباز، ۱۳۹۳: ۳۷). در سال ۱۹۱۱، پس از آنکه نوآوری اکسپرسیونیست‌های درسدن به اوج خود رسید؛ نوع دیگری از اکسپرسیونیسم در مونیخ پدیدار شد. این گروه که به عنوان سوارکار آبی شهرت یافتند به وسیله واسیلی کاندینسکی رهبری می‌شدند (چیلورز و آزبورن، ۱۳۸۰: ۸). اکسپرسیونیسم در تاریخ نژاد شمالی ریشه دارد و بسیار متأثر از گرایشاتی است که معمولاً به عنوان رمانتیک، از آن‌ها یاد می‌شود (همان: ۲۱).

وان گوگ از مهم‌ترین پیشگامان اکسپرسیونیسم بود؛ اگرچه او پیرو امپرسیونیست‌ها بود اما با برداشتی نمادگرایانه و عاطفی از این ابزار بهره گرفت و از بازنمایی نور فراتر رفت. وان گوگ و اکسپرسیونیست‌های پس از او در استفاده عاطفی از رنگ و خط بر حالات عواطفی و درونی خود توجه می‌کردند (پاکباز، ۱۳۹۳: ۳۸). پس از جنگ جهانی اول، این جنبش به گرایش رایج در آلمان تبدیل شد. بازماندگان گروه سوارکار آبی بسیار بیشتر از گذشته به انتزاع روی آوردند (همان: ۳۹).

### نماد

از دیدگاه آناندا. ک. کوماراسوامی<sup>۷</sup>، فیلسوف هندی، نماد، عبارت از «هنر اندیشیدن در تصویرها است». دی‌یل<sup>۸</sup>، نماد را ابزار دقیق و صیقلی یافته‌ی زبان می‌داند که جوهره آن برابری با جهان درونی، در تقابل با جهان بیرونی دارد (سیرلوت، ۱۳۸۸: ۴۲). دی‌یل، به درستی بر آن است که نماد ابزاری جهانی و در عین حال خاص است. جهانی بودن نماد سبب پیشرفت تاریخ می‌شود و خاص بودن نماد، به دوره معینی از تاریخ مرتبط است. بیشتر نویسندگان، در این نکته هم عقیده هستند که شروع اندیشه‌های نمادین به پیش از تاریخ یا دوره پارینه‌سنگی باز می‌گردد. آگاهی امروز بشر از اندیشه‌های آغازین، وی را به هنر و وابستگی‌های انسان‌های اولیه پیوسته می‌کند (همان: ۱۷ - ۱۸).

نماد، تصویری بصری یا نشانه‌ای است که بیان‌کننده تصور و اندیشه‌ای است که بیانگر حقیقت جهانی به شکلی عمیق‌تر است (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۶).

### مفاهیم نمادین رنگ‌ها

مردم در هر فرهنگی و اغلب بدون توجه به آن، با حساسیت به رنگ‌ها واکنش نشان می‌دهند. برای نمونه، روانشناسان رنگ‌های «گرم» (قرمز، زرد و نارنجی) را تحریک‌کننده می‌دانند. در صورتی که رنگ‌های «سرد» (آبی، نیلی و بنفش) سبب آرامش و تسکین می‌شوند (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۰).

زندگی بشر اولیه تحت تأثیر دو عاملی قرار داشت که از کنترل او خارج بود؛ این دو عامل مشتمل اند بر روز و شب، تاریکی و روشنایی. شب محیطی را ایجاد می‌کرد که دیگر بشر نمی‌توانست فعالیت کند؛ به همین سبب، انسان نخستین به غار خود پناه می‌برد و برای محافظت از سرما با پوست حیوانات می‌خوابید. روز محیطی را ایجاد می‌کرد که در آن کار و عمل امکان‌پذیر بوده‌است و انسان اولیه با شکار برای خود غذا فراهم می‌کرد. رنگ‌های مرتبط با این دو محیط عبارتند از رنگ آبی متمایل به تیره آسمان شب و زرد روشن نور آفتاب است (لوشر، ۱۳۸۹: ۲۰).

نمادپردازی رنگ، معمولاً از یکی از منبع‌های زیر گرفته می‌شود:

- ویژگی‌های ارثی هر رنگ که مانند یک حقیقت دیداری به طور مستقیم مشاهده می‌شود؛
- رابطه یک رنگ و نماد سیاره‌ای که وابسته است؛
- ارتباط‌هایی که به طور کلی، از دیدگاه دریافت‌های منطقی ابتدایی یا بدوی بوده‌است.

یولان دوپاکوبی<sup>۹</sup>، در بررسی‌های خود، در زمینه روان‌شناسی یونگ، بارها تکرار می‌کند که «تطابق رنگ‌ها با نقش‌های وابسته بدن، در فرهنگ‌ها، گروه‌ها و حتی افراد مختلف، متفاوت است» (سیرلوت، ۱۳۸۸: ۴۳۳). مهم‌ترین نمادهای برگرفته از اصول یاد شده، مشتمل اند بر ارتباط رنگ سرخ با خون، زخم، رنج مرگ و نیز تعالی؛ ارتباط رنگ نارنجی با آتش و شعله؛ رنگ زرد با نور خورشید، اشراق و گسترش اندیشمندی ارتباط دارد؛ ارتباط رنگ سبز، با گیاهان و همچنین با مرگ؛ رنگ طلایی، با جنبه اسرارآمیز خورشید و نقره با جنبه مرموز ماه همخوانی دارد (همان: ۴۳۴). نمادگرایی رنگ‌ها در سال‌های اخیر تمام ارزش‌های گذشته و سنتی خود را بازیافته‌است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ۳۴۳).

### قرمز

قرمز بسیار تحریک‌کننده، مرموز و گرم‌ترین رنگ

### طلایی

طلا به درخشندگی و برآقی خورشید، از زمان‌های دور تحریک‌کننده گرایش است. در نتیجه نماد قدرتمندی از اشراف‌زادگی، روشنایی و تقدس به شمار می‌آید. طلا، فلز کاملی است. رنگ درخشانش، آن را به صورتی نمادین با صفت‌های مذکر خورشید، کمال و قلب مرتبط می‌کند (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۴۵). رنگ طلایی بیانگر شکوه و جلال است (سیرلوت، ۱۳۸۸: ۴۳۹). رنگ طلایی نماد موفقیت، ثروت، بخشندگی، مراقبت و دوست داشتن محسوب می‌شود (URL:1).

### قهوه‌ای

رنگ قهوه‌ای، رنگی دوستانه، گرم، قوی، صمیمی، راستگو، قابل اعتماد، راحتی، پایداری، سادگی، بلوغ انگاشته می‌شود. برخی از ویژگی‌های منفی آن مشتمل اند بر خسیس بودن، مادی‌گرا و خسته‌کننده بودن. این رنگ احساسات را به آسانی بیان نمی‌کند و می‌کوشد همه موضوعات را درون خودش دسته‌بندی کند. قهوه‌ای یا یک رنگ خوب است که به شما احساس راحتی و اطمینان می‌دهد و یا یک رنگ بد است که حساس خفگی ایجاد می‌کند (URL:2).

### گوستاو کلیمت (نقاش و طراح اتریشی ۱۸۶۲ – ۱۹۱۸)

گوستاو کلیمت در سال ۱۸۶۲ در وین اتریش زاده شد. در سال ۱۸۷۶ وارد مدرسه هنر و علوم در موزه هنر و صنعت وین شد. او در سال ۱۸۸۳ مدرک خود را از دانشگاه هنر و علوم وین دریافت کرد؛ با یکی از برادرانش (ارنست کلیمت) و نقاشی به نام (فرانتس ماتش) کارگاهی

است. قرمز رنگ عشق، شور، اشتیاق و همچنین پرخاشگری، جنگ و خطر به شمار می‌آید. هشداری برای ادامه ندادن و پیش نرفتن انگاشته می‌شود. قرمز همچنین بازگوی رفتاری پُرشور، نیرویی مردانه و عصبانیت است. در فرهنگ غربی، نمایانگر شور و اشتیاقی غیر مجاز است (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۰).

### زرد

زرد با طلا، درخشندگی، روشنایی و خورشید مرتبط است. به سبب آنکه بیشتر گل‌های بهاری، زرد هستند؛ با زندگی جدید ارتباط دارد (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۱). این رنگ، نمادی از خودانگیختگی (حالت و حرکتی که در یک لحظه از شخصی مشاهده می‌شود)، غیر مستقل و بلندپروازی به شمار می‌آید (لوشر، ۱۳۸۹: ۴۰).

### سبز

سبز زمردی رنگ بهار، جوانی، امید و شادابی است ولی سبز لجنی رنگ زوال، کهنگی و فرسایش هم به شمار می‌آید (بوروس میتفورد، ۱۳۹۴: ۲۸۱).

### سیاه

سیاه را غیبت رنگ یا نور می‌دانند؛ گاهی آن را خنثی یا بی‌اثر به شمار می‌آورند اما اغلب نمادی از شیطان (نیروهای تاریکی) و پنهان کاری است (همان: ۲۸۲). سیاه نشانه نیروهای شبانه، منفی، پسروند، رو به خرابی است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲: ۳۴۵).



تصویر ۴: پرتره آدل بلوخ – بائر اول، رنگ روغن روی بوم، ۱۹۰۷ م. ۱۳۸ × ۱۳۸ س.م.، وین، گالری بلودر (Bade, 2011: 49).



تصویر ۳: پرتره فریتز ایدلر، رنگ روغن روی بوم، ۱۹۰۶ م.، ۱۳۳ × ۱۵۳ س.م.، وین، گالری بلودر (Bade, 2011: 48).

در مقابل نقش و نگارهای تخت قرار می‌دهد (گاردنر، ۱۳۸۱: ۶۱۷).

پیدایش اکسپرسیونیسم به دوران طلایی کلیمت پایان داد. وی، سپس به پاریس رفت و در آن جا با لوترک آشنا شد. در این دوره، زن‌ها را به جای سکه و جواهر با گل و گیاه تزئین می‌کرد. وی دیگر از سال ۱۹۱۵، شاید به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم از رنگ‌های تند، طلایی و تابناک استفاده نکرد (قره باغی، ۱۳۸۰: ۴۸). از آثار وی می‌توان به مرگ و زندگی (۱۹۰۸) و چهره الیزابت با خن (۱۹۱۴) اشاره کرد (پاکباز، ۱۳۹۳: ۴۲۲). کلیمت در ۱۱ ژانویه ۱۹۱۸ در آپارتمان خود در وین به دلیل سخته مغزی درگذشت (Bade, 2011: 79).

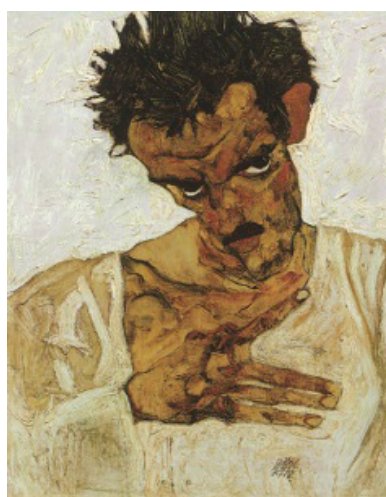
**اگن شیله (نقاش، رسام و چاپگر اتریشی ۱۸۹۰ – ۱۹۱۸)**  
اگن شیله در سال ۱۸۹۰ در تولن اتریش به دنیا آمد. در سال ۱۹۰۷ وارد آکادمی هنرهای زیبای وین شد. با کلیمت در سال ۱۹۰۷ دیدار کرد. وی بر روی آثار شیله تأثیر گذاشت. او در سال ۱۹۱۱ در کرومای باواریا کار می‌کرد. او با یکی از مدل‌هایش به نام والی زندگی می‌کرد (Selsdon and Zwingerberger, 2011: 192). یکی از شاگردان کلیمت بود. از وی به عنوان یکی از نقاشان مهم فیگوراتیو اوایل قرن بیستم یاد می‌کنند. خودنگاره‌ها و بدن‌های پیچان، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های نقاشی او است که از وی هنرمندی اکسپرسیونیست می‌سازد. محور اصلی در آثار شیله حس درونی اثر است. او در آثار خود بدن انسان را در وضعیت‌های ناراحت و حالت‌های غیر عادی به نمایش می‌گذارد. او در سال ۱۹۰۹ شروع به نقاشی چهره

باز کرد. آن‌ها چندین اثر را در کنار یکدیگر خلق کردند. در سال ۱۹۸۸ نقاشی تئاتر امپراطور را به پایان رساند (Bade, 2011: 70) موضوع اصلی آثار کلیمت، جسم زن بود (تصویر ۳ و ۴). در بسیاری از آثارش به ویژه در طراحی‌ها با مداد، نمایشی واضح از اروتیسیسم<sup>۱۰</sup> دیده می‌شود. او در آثارش از خطوط منحنی، خمیده و موج‌دار استفاده می‌کرد. او هنر نقاشی را با کشیدن زنی عریان آغاز می‌کرد و سپس با دقت، به افزودن جزئیاتی دقیق برای پوشاندن او پرداخت؛ برای نمونه، از موهای پریشان، گل‌های مختلف، کلاه‌هایی بزرگ، اشکال و خطوط هندسی بهره گرفت (URL:3).

هنر کلیمت، مرحله گذر و پل ارتباطی بین سمبولیسم (سده نوزدهم) و اکسپرسیونیسم (اوایل سده بیستم) به شمار می‌آید. وی از جنبش‌های هنری و صنعتی انگلستان، سمبولیسم فرانسه، روکوکوی قرن هجدهم، هنر مصر باستان و چاپ‌های شرق دور تأثیر گرفته است که همراه با اروتیسم بود (قره باغی، ۱۳۸۰، ۴۴). کلیمت برای «هنر تام» و کارکرد تزئینی او زینتی هنر اهمیت و ارزش در نظر می‌گرفت. تزئینات فقط برای این نیست که به شکل و محتوای یک تابلو ارزش بیشتری بدهد، بلکه خود، یک عنصر زیباشناختی به شمار می‌آید (کلیمت، بی‌تا: ۱۵۲). وی در تزئین کاری بسیار مهارت داشت و سبک شخصی وی از ترکیب طرح‌های خطی زیبا، نقاشی پیش رافائلی، آثار اوبری بردزلی و موزایک‌های بیزانسی ایجاد شد. وی جلوه و جمال کاملی از زن نشان می‌دهد (قره باغی، ۱۳۸۰، ۴۵). یکی از ویژگی‌های کار کلیمت این است که شکل‌های رئالیستی اغلب برجسته‌نمایی شده را



تصویر ۶: دختر زانو زده با لباس نارنجی، گواش، آبرنگ و مداد سیاه روی کاغذ، ۱۹۱۰ م، ۳۱ × ۴۴٫۶ س.م، موزه لئوپولد، وین (Selsdon and Zwingerberger, 2011: 81)



تصویر ۵: سلف پرتره، روغن روی چوب، ۱۹۱۲ م، مجموعه لئوپولد، موزه لئوپولد، وین (Selsdon and Zwingerberger, 2011: 40)

### تحلیل مفاهیم نمادین رنگ‌های تابلوی نقاشی «بوسه» گوستاو کلیمت

این نقاشی با موضوع در بر گرفتن مرد و زن است. هر کدام از رنگ‌های به کار گرفته شده توسط هنرمند در این نقاشی، دارای نماد و معنایی هستند. در این اثر از طلا و رنگ‌های سبز زمردی و لجنی، قرمز، بنفش، ارغوانی، قهوه‌ای، خاکستری، سیاه، سفید، زرد و آبی بهره گرفته شده‌است ولی طلا و رنگ‌های قهوه‌ای و زرد بیشتر به کار رفته‌است. مخاطب در این نقاشی با رنگ‌های استفاده شده، ترکیب‌بندی و حالت چهره مرد و زن عشق را مشاهده می‌کند.

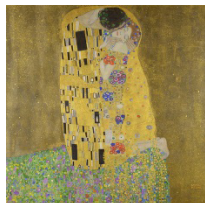
کلیمت در این نقاشی، از طلا که نشانگر درخشندگی و براقی خورشید است، بهره گرفته‌است. در نتیجه نماد قدرتمندی از اشراف‌زادگی، روشنایی و تقدس است. رنگ درخشانش، آن را به صورتی نمادین با صفت‌های مذکر خورشید، کمال و قلب مرتبط می‌کند. همچنین رنگ طلایی بیشتر به کار رفته که نمادی از شکوه، جلال، دوست داشتن، مراقبت، عشق، کامیابی و ایمنی است. رنگ زرد با طلا، درخشندگی و خورشید در ارتباط است. نمادی از فعالیت و بلندپروازی به شمار می‌آید. رنگ سبز زمردی رنگ بهار و نمادی از جوانی و شادابی است. رنگ قهوه‌ای نمادی از اعتماد، راحتی، صمیمیت و پایداری انگاشته می‌شود. قرمز رنگ عشق، شور، اشتیاق و باروری است. رنگ سیاه نمادی از نیروهای شبانه، منفی، پسروند، رو به خرابی است (جدول ۱).

**تابلوی نقاشی «راهبه و کاردینال (مراقبه)» اگن شیله**  
چشمان سرشار از اضطرابی جان‌فرسا است. نگرانی که حکایت از وسوسه و گناه مسیحی دارد. گویی، راهبه در چشمان کسی که او را در حین ارتکاب چنین مفسده‌ای می‌بیند، خیره شده است؛ حال آنکه، کاردینال هم به این خیرگی نیم‌نگاهی دارد. دست‌ها که اغلب عجیب‌ترین فرم‌ها در نقاشی شیله‌اند در

کرد. این چهره‌نگاری‌ها که شیله در آن‌ها رنگ‌های غیر ناتورالیستی و زوایای نامعمول استفاده کرده است (تصویر ۶)، بینش منحصر به فرد شیله را باز نمود می‌کند (URL:4). وی در سال ۱۹۱۷ به وین بازگشت. از این پس، شیله همه وقت خود را صرف نقاشی کرد. او شروع به مشارکت در جنبش جدید وین کرد (Selsdon and Zwingerberger, 2011: 2011). از آثار او می‌توان به دختری در حال برهنه شدن (۱۹۱۰)؛ زنی با دو کودک (۱۹۱۷) و طرح‌هایی از چهره خود هنرمند (۱۹۱۰) یاد کرد (پاکباز، ۱۳۹۳: ۳۳۸). وی در ۳۱ اکتبر درگذشت (Selsdon and Zwingerberger, 2011: 193).

### تابلوی نقاشی «بوسه» گوستاو کلیمت

بوسه، مشهورترین اثر کلیمت از دوران طلایی او (۱۸۹۸ - ۱۹۰۸) است که در بیشتر شاهکارهایش از طلاکاری بهره گرفته‌است. کلیمت، کشیدن بوسه را در سال ۱۹۰۷ آغاز کرد. کلیمت این نقاشی را عاشقان نام گذاشته بود، ولی امروزه بیشتر با نام بوسه شناخته می‌شود. او این بار در بوسه مانند بسیاری از آثار قبلی‌اش، جامعه را با یک رسوایی به تصویر نمی‌کشد. از همان ابتدا این نقاشی مورد توجه و تحسین قرار گرفت و این مسأله را می‌توان در فروش سریع آن مشاهده کرد. این تابلو به نمادی از هنر نوی وین تبدیل شده‌است (URL:5). دو پیکره در نقاشی بوسه لباس‌هایی عجیب بر تن دارند که با دقت تزئین شده‌اند. کلیمت از طلا، رنگ‌های قهوه‌ای، سبز زمردی و زرد بیشتر بهره برده‌است. هنرمند با استفاده از رنگ طلایی در پس‌زمینه، عمق را در اثر ایجاد کرده‌است. نقاشی خطوط صافی ندارد و پُر از منحنی و خطوط خمیده است. در نقاشی بوسه کلیمت، چهره مرد دیده نمی‌شود. او زن را به سمت بالا نگاه می‌دارد، دست‌هایش را با یک ژست ظریف به صورت زن چسبانده است ولی چهره‌اش از بدن او دور شده‌است. او فقط گونه‌اش را برای بوسه ارائه می‌دهد و دستش تقریباً سعی می‌کند او را دور نگه دارد.

ویژگی‌های مفهومی	ویژگی‌های ظاهری	اثر
<ul style="list-style-type: none"> <li>- دوست داشتن، عشق، کمال، پاکی و تقدس.</li> <li>- جوانی، شادابی.</li> <li>- باروری، عشق، شور و اشتیاق.</li> <li>- فعالیت، بلندپروازی.</li> <li>- منفی، نیروهای شبانه.</li> <li>- راحتی، اعتماد و صمیمیت.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طلا</li> <li>- سبز زمردی</li> <li>- قرمز؛ در تزئین لباس زن</li> <li>- زرد</li> <li>- سیاه</li> <li>- قهوه‌ای</li> </ul>	<p>«بوسه» از گوستاو کلیمت</p> 


جدول ۱: ویژگی‌های ظاهری و مفهومی نقاشی «بوسه» گوستاو کلیمت (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

طلایی جای خود را به سیاه داده، نجابت و لطافت در بر گرفتن به چنگ زدن همراه با نگرانی بدل شده است و لذتی که در چهره زن نقاشی دیده می‌شود به نگاه پریشان یک راهبه تبدیل شده است. این نقاشی با موضوع در بر گرفتن کاردینال و راهبه است. شیله در این نقاشی رنگ‌های تیره سیاه، قهوه‌ای را بیشتر به کار برده است. همچنین از دو رنگ سبز و قرمز استفاده کرده که مکمل هم هستند و با ترکیب این دو رنگ، سیاهی به دست می‌آید. هنرمند رنگ‌هایی را به کار برده که ترس و نگرانی را به مخاطب القا می‌کند. از رنگ سیاه، قرمز، سبز لجنی، قهوه‌ای و نارنجی مایل به قرمز بهره گرفته است؛ سیاه نمادی از پنهان کاری، نیروی شبانه و رو به خرابی است. قهوه‌ای بیانگر زمین و مادی‌گرا بودن است. قرمز رنگ شور، اشتیاق، رفتاری پُرشور و نیرویی مردانه است. همچنین هشدار برای ادامه ندادن و پیش نرفتن به شمار می‌آید. در بسیاری از فرهنگ‌ها با شعله‌های جهنم ارتباط دارد. در فرهنگ غربی، نشانگر شور و اشتیاقی است که اغلب غیر مجاز است. سبز لجنی رنگ زوال، کهنگی و فرسایش هم به شمار می‌آید (جدول ۲).

حالتی قرار گرفته‌اند که در نقاشی‌ها و تمثال‌های مسیحی را می‌توان دید، اما در نهایت هر دو فیگور و مجاورت‌شان را می‌توان اثر فیگورهای کلیمت دانست؛ همان نقاشی که شیله بیشترین تأثیر را از او گرفته است. برای شیله هم ارتباط، همان سایش و فرورفتن فیگورها در همدیگر است با این تفاوت که در این‌جا عمل جنسی برجسته شده است، هر چند در سایه‌ی سرخ گناه‌آلود کاردینال رخ داده باشد (URL:6). شیله این حس شرم عجیب را در «آغوش کشیدن» نام نهاد (URL:7). ترکیب‌بندی به صورت مثلثی است - شکلی که همواره به استحکام ساختارهای قدرت و دلبستگی محکم آن‌ها به زمین محکم اشاره می‌کند. موضوع فساد جنسی و اخلاقی در کلیسا به خودی خود غیر عادی نیست (Selsdon and Zwingerberger, 2011:131).

### تحلیل مفاهیم نمادین رنگ‌های تابلوی نقاشی «راهبه و کاردینال» اِگن شیله

هر آنچه درباره نقاشی کلیمت مثبت بود در این اثر خود را به صورت تاریک و سیاه نشان می‌دهد: زمینه

اثر	ویژگی‌های ظاهری	ویژگی‌های مفهومی
«کاردینال و راهبه» از اِگن شیله 	<ul style="list-style-type: none"> <li>- سبز لجنی</li> <li>- قرمز؛ در لباس مرد</li> <li>- سیاه</li> <li>- قهوه‌ای</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- زوال، کهنگی و فرسایش</li> <li>- عشق، رفتاری پُرشور، نیروی مردانه و اشتیاق.</li> <li>- نیروی تاریکی و رو به خرابی.</li> <li>- پنهان کاری و مادی بودن.</li> </ul>

جدول ۲: ویژگی‌های ظاهری و مفهومی نقاشی «کاردینال و راهبه (مراقبه)» اِگن شیله (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

اثر	موضوع اثر	اشتراک و افتراق مفهومی و نمادین رنگ‌ها					
		سبز	طلایی	زرد	قرمز	سیاه	قهوه‌ای
«بوسه»	در بر گرفتن	سبز	•	•	•	•	•
		سبز لجنی	•				
		سبز زمردی					
	در بر گرفتن	•	•	•	•	•	•



صمیمیت، پایداری، مادی بودن و پنهان کاری	پنهان کاری و روبه خرابی	عشق، نیروی مردانه، رفتاری پُر شور، باروری، هشدار برای ادامه ندادن	بلندپروازی، فعالیت	دوست داشتن، عشق، کمال، پاکی و تقدس	زوال، کهنگی و فرسایش	جوانی، شادابی	مرد و زن یکدیگر را در بر گرفته‌اند	نتیجه:
---	-------------------------	---	--------------------	------------------------------------	----------------------	---------------	------------------------------------	--------

جدول ۳: وجوه اشتراک و افتراق مفهومی و نمادین رنگ‌ها در نقاشی «بوسه» گوستاو کلیمت و «کاردینال و راهبه (مراقبه)» اگن شیله (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

و شادابی است. رنگ قهوه‌ای نمادی از اعتماد، راحتی، صمیمیت و پایداری در نظر گرفته می‌شود. از رنگ قرمز هم در تزئین لباس زن بهره گرفته‌است که نماد باروری و عشق است. شیله در این نقاشی از رنگ‌های تیره سیاه، قهوه‌ای بیشتر بهره گرفته‌است. همچنین رنگ سبز و قرمز مشاهده می‌شود. رنگ سیاه نماد پنهان کاری است. رنگ قهوه‌ای بیانگر زمین و مادی‌گرا بودن است. قرمز رنگ شور، اشتیاق و رفتاری پُر شور است. همچنین هشدار برای ادامه ندادن و پیش رفتن، رفتاری پُر شور و متهورانانه به شمار می‌آید. شیله از رنگ قرمز در لباس مرد بهره گرفته است که نمادی از نیروی مردانه است. رنگ سبز لجنی بیانگر زوال، کهنگی و فرسایش است.

#### پی‌نوشت

- 1-symbolism
- 2-expressionism
- 3-The Kiss
- 4-Gustav Klimt
- 5-Cardinal and Nun (Caress)
- 6-Egone Schiele
- 7-Ananda K. Coomaraswamy
- 8-Diel
- 9-Jolan de Jacobi
- 10- تن کامگی
- 11-decorative
- 12-Aubrey Bradzley

#### نتیجه‌گیری

هنرمندان طی زمان‌های مختلف، با توجه به شرایط از یکدیگر تأثیراتی پذیرفته‌اند. این تأثیرات می‌تواند در کاربرد رنگ، موضوع اثر، سبک هنری، نمادها و موارد مشابه باشد. شاگردها از استادان خود متأثر بوده‌اند. بیشترین تأثیرپذیری هم در نقاشی «کاردینال و راهبه (مراقبه)» شیله، از نقاشی «بوسه» کلیمت است که پنج سال قبل‌تر از آن به وسیله کلیمت کشیده شده‌است.

در این پژوهش، به بررسی مفاهیم نمادین رنگ‌های به‌کاررفته در نقاشی «بوسه» کلیمت و نقاشی «کاردینال و راهبه» شیله پرداخته شده‌است. همچنین اینکه دو نقاشی مورد اشاره از منظر معنای نمادین رنگ‌ها چه تأثیری بر روی درک احساسی مخاطب می‌گذارد؟ با اینکه موضوع یکسانی دارند اما هر کدام از این نقاشی‌ها حسی متفاوت به مخاطب القا می‌کند. یکی بازگوکننده عشق و علاقه و دیگری بیانگر ترس و نگرانی است؛ آن هم به دلیل گزینش رنگ توسط هنرمند است و تفاوت در گزینش رنگ‌ها مربوط به سبک هنری، ذهن و احساسات دو هنرمند است. کلیمت در این نقاشی از رنگ‌های مثبت و روشن بهره گرفته ولی شیله از رنگ‌های تیره و منفی استفاده کرده است که هر یک از رنگ‌ها نماد و معنایی دارند. هنرمندان با کاربرد این رنگ‌ها توانسته‌اند مقصود خود را به مخاطب انتقال دهند. کلیمت از رنگ طلا، قهوه‌ای و زرد بیشتر بهره گرفته‌است که طلا نماد و بیانگر شکوه، جلال، دوست داشتن، مراقبت، عشق، ایمنی و کامیابی است. رنگ زرد نمادی از فعالیت و بلندپروازی به شمار می‌آید. رنگ سبز زمردی رنگ بهار و نمادی از جوانی

- بوروس میتفورد، میراندا (۱۳۹۴). *دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها*. ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور، تهران: سایان.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۳). *دایره‌المعارف هنر: نقاشی، پیکره سازی و گرافیک*، تهران: فرهنگ معاصر.
- چدویک، چارلز (۱۳۷۵). *سمبولیسم: از مجموعه مکتب‌ها، سبک‌ها و اصطلاحات ادبی و هنری*، ترجمه مهدی سحابی، تهران: مرکز.
- چیلورز، ایان و آزرورن، هارولد (۱۳۸۰). *سبک‌ها و مکتب‌های هنری*، ترجمه فرهاد گشایش، تهران: عفاف.
- حسامی، شیدا و سید نظام الدین امامی فر (۱۳۹۷). «مطالعه نشانه‌شناختی تصویری در پوستره‌های دهه اخیر با تأکید بر بُن مایه‌های نگارگری ایرانی»، *پژوهشنامه گرافیک نقاشی*، ۲ (۲)، ۴۳-۵۳. Doi: ۱۰.۲۲۹۱۹.۲۰۱۹.۲۲۰۵۱.۱/pgr.
- سیرلوت، خوان ادواردو (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها*، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: داستان.
- سیرلوت، لوردس (۱۳۸۳). *راهنمای هنر مدرن (در اوایل قرن بیستم)*، ترجمه نسربین هاشمی (چاپ دوم)، تهران: ساقی.
- شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها: اساطیر، رویاها، رسوم، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب، چهره‌ها، رنگ‌ها، اعداد*، ترجمه سودابه فضایی، جلد سوم، تهران: جیحون.
- قره‌باغی، علی اصغر (۱۳۸۰). *گوستاو کلیمت جلوه‌گاه هنر کمپ، گلستانه*، ۳۶، ۴۴-۴۸.
- کلیمت، گوستاو (بی تا). «عشق و مرگ»، ترجمه مهتاب وکیل، *هنرهای تجسمی*، ۲۰، ۱۵۳-۱۴۹.
- گاردنر، هلن (۱۳۸۱). *هنر در گذر زمان*، ترجمه محمد تقی فرامرزی (چاپ پنجم)، تهران: نگاه.
- گامبریچ، ارنست هانس (۱۳۸۷). *تاریخ هنر*، ترجمه علی رامین (چاپ پنجم)، تهران: نی.
- لوشر، ماکس (۱۳۸۹). *روانشناسی رنگ‌ها*، ترجمه ویدا ابی‌زاده، تهران: دُرسا.

## References

- Bade, P. (2011). *KLIMT*, New York: Parkstone International.
- Bruce-M. M. (2015), *The Illustrated Book of Signs and Symbols*, Translated by Masoumeh Ansari & Habib Bashirpour, Tehran: Sayan, (Text in Persian).
- Chadwick, Ch. (1996), *Symbolism: From a Collection of Schools, Styles and Literary and Artistic Terms*, Translated by Mahdi Sahabi, Tehran: Markaz, (Text in Persian).
- Chevalier, J. Gheerbrant, A. (2003), *Dictionnaire des Symboles: Mythes, Reves, Coutumes, Gestes, Formes, Figures, Couleurs, Nombres*, Translated by Sodabeh Fazaili, (3rd ed), Tehran: Jeyhon, (Text in Persian)
- Chilvers, I. (2000), *Styles and schools Art*, Translated by Farhad Goshayeh, Tehran: Efaf, (Text in Persian)
- Cirlot, J. E. (2009), *A Dictionary of Symbols*, Translated by Mehrangiz Ohadi, Tehran: Dastan, (Text in Persian).
- Cirlot, L. (2004), *The Key to Modern Art of the Early 20th Century*, Translated by Nasrin Hashemi, (2nd ed.), Tehran: Saghi, (Text in Persian).
- Climt, G. (n.d), "Love and Death", Translated by Mahtab Vakil, *Visual Arts*, 20, 149-153, (Text in Persian).
- Gardner, H. (2001), *Gardner's Art Through the Ages*, Translated by Mohammad Taghi Faramarzi, (5nd ed.), Tehran: Negah, (Text in Persian).
- Gombrich, E. H. (2008), *The Story of Art*, Translated by Ali Ramin, (5nd ed.), Tehran: Ney, (Text in Persian).
- Hesami, S., Emami Far, S. N. (2017). "A Semiotic Study of Pictorial Art on Posters of the Last Decade, with an Emphasis on", *Journal of Graphic Arts and Painting*, 2 (2), 43-53, Doi: 014.22919.2019.pgr/22051.1, (Text in Persian).
- Luscher, M. (2010), *Psychologie der Farben*, Translated by Vida Ebi Zadeh, Tehran: Dorsa, (Text in Persian).
- Qarabaghi, A. A. (2002), "Gustav Klimt Camp Art Effect", *Golestaneh*, 36, 44-48, (Text in Persian).
- Pakbaz, R. (2015). *Encyclopedia of Art: Painting, Sculpture, Graphic Arts*, Tehran: Farhang Moaser, (Text in Persian).
- Selsdon, E., Zwingerberger, J. (2011). *Egon Schiele*, New York: Parkstone Press.

**URLs**

URL1: <https://rizy.ir/uVeD5CK> (access date:1399/5/25).

URL2: <https://rizy.ir/Wz3th0> (access date:1399/5/25).

URL3: <https://rizy.ir/bwzsvj> (access date: 1399/5/13).

URL4: <https://rizy.ir/zX5fJ> (access date:1399/5/13).

URL5: <https://rizy.ir/bwzsvj> (access date: 1399/5/13).

URL6: <http://reviews.behpoor.com/?p=78> (access date:1399/5/13).

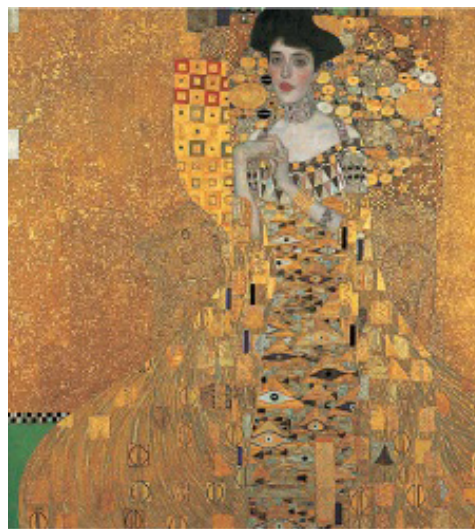
URL7: <https://rizy.ir/6LFET> (access date:1399/5/13).

## An Analysis of Two Works with the Same Theme by Gustav Klimt and Eugène Schiele with Emphasis on the Symbolic Meanings of Colors

### Abstract:

Human's life is full of symbols. In the field of art, colours have long had a symbolic meaning. In the late nineteenth century, the symbolism movement began with the declaration of symbolism in France, and the painting of ideas was defined by Albert Orber in connection with the visual arts. Gustav Klimt was a symbolist painter and, like an emotional poet, tried to embody general and abstract concepts such as life, death, music, lust and jealousy with symbolic lines and colours. Eugene Schiele was one of his students in the expressionist style of painting and was influenced by his master's symbolic style. The authors answer the research question with descriptive-analytical research method and library information collection method. This study is a comparative study of Gustave Klimt's painting "The Kiss" and Eugene Schiele's painting "Cardinal and the Nun (Meditation)". The research question is to compare and evaluate the effect of these two paintings from the perspective of the symbolic meaning of colours on the emotional perception of the audience? The result of this research shows that although the two works of art have a common theme, the artists have paid attention to their purpose and feelings in choosing the colours. Depending on the choice of colours, one effect induces a sense of anxiety and fear and the other effect induces a sense of interest and love to the audience.

Artistic styles and techniques have been created according to the culture, social conditions and geography of each place. Symbolism was a reaction to the school of Impressionism as well as the principles of realism. Expressionism was also a reaction to symbolism. The symbolists conveyed all their intentions through the symbols. Expressionists expressed their emotions,



### Fatemeh Ghafoori

MA., Department of Art Research,  
Faculty of Arts, Alzahra University,  
Tehran, Iran, Corresponding Author.  
fatemeh.ghafoori68@gmail.com

### Yusef Mansoorzade

Associate Professor, Department of  
Museology, Higher Cultural Heritage  
Center (Tehran), Tehran, Iran.  
mansoorzade@yahoo.com

---

Date Received: 2022-01-30

Date Accepted: 2022-05-28

---

1-DOI: 10.22051/PGR.2022.39371.1130

especially fear, anxiety, and love, through colour; They exaggerated in the use of colour and drawing. Colour has a special place in the lives of humans and artists. By seeing the colours used in the art of any culture and society, one can understand the feelings of the people of that culture. Colours can define a person's mood and also create a special halo or energy in the atmosphere. Colour has existed in human life since time immemorial. Until the nineteenth century, only a few dyes and pigments were known, most of which were organic in origin and very expensive, but today humans use synthetic materials to produce multiple and cheaper dyes. Colours are present in all human life and are very important and are a part of our lives. Spectacular and visible colours have different effects on nature and the human mind. Every colour has a use and meaning in every place. The perception and interpretation of each colour is different in each culture. Colour symbolism is universal; It is one of the most important symbolic systems of man. Colours evoke what it symbolizes.

The statistical population of this research is the painting "The Kiss" by Gustav Klimt and the painting "Cardinal and the Nun (Meditation)" by Eugene Schiele. In this study, the authors conducted a comparative study of the colours of the painting "The Kiss" by Gustave Klimt and the painting "Cardinal and the Nun (Meditation)" by Eugene Schiele, which is the purpose of this study. Also, what effect do these two paintings have on the emotional perception of the audience in terms of the symbolic meaning of colours?

The present study is based on collecting library information method with a fundamental purpose and descriptive-analytical method to answer the question and purpose of this research. The simultaneous and historical comparative method as well as the study of the statistical population of this

research to determine the common, conceptual and symbolic differences between these two paintings. The type of this research is qualitative. The statistical population of this research is two paintings by two artists with the style of symbolism and expressionism; These include the painting "The Kiss" by Gustave Klimt and the painting "Cardinal and the Nun (Meditation)" by Eugene Schiele.

The sampling of this research is purposeful and by selecting two paintings by two artists with the style of symbolism and expressionism that have the same theme, but each artist has chosen colours and each colour has a symbolic meaning and these colours have affected the emotional perception of the audience. This research first uses a descriptive method to define modern Western art, symbolism, expressionism, symbolic concepts of colours, and the biography of Klimt and Schiele, and then analyzes the symbolic meanings of the colours used in the two paintings.

Kiss is the most famous work of Klimt from his golden age (1898-1908), which has used gilding in most of his masterpieces. Klimt began The Kiss in 1907. Klimt called this painting lovers, but today it is better known as The Kiss. This time in The Kiss, like many of his previous works, he does not portray society as a scandal. From the very beginning, this painting was noticed and admired, and this can be seen in its rapid sale. This painting has become a symbol of New Vienna art. The two figures in the kiss painting are wearing strange clothes that have been carefully decorated. Klimt has used more gold, brown, emerald green and yellow. The artist uses the golden colour in the background to create depth in the work. The painting has no straight lines and is full of curves and curved lines. The male face is not seen in Klimt's kiss painting. He holds the woman up; He presses his hands to the woman's face with a delicate gesture,

but his face is away from her arms: he just offers his cheek for a kiss and his hand almost tries to hold her away.

In Eugene Schiele's "Nun and Cardinal (Meditation)" painting, the eyes are full of excruciating anxiety. Anxiety about Christian temptation and sin. It is as if the nun is staring into the eyes of someone who sees her committing such a corruption; However, the Cardinal also has a glimpse of this dazzling. The hands, which are often the strangest forms in Schiele paintings, are in a state that can be seen in Christian paintings and statues, but ultimately both their figures and their proximity can be attributed to the figures of Klimt; the same painting that Schiele has been most influenced by. For Schiele, the connection is the wear and tear of the figures, except that the sexual act is highlighted here, even though in the red shadow of the cardinal sin. Schiele called this strange feeling of shame "embrace". The composition is triangular - a shape that always refers to the strength of power structures and their strong attachment to the ground. The issue of sexual and moral corruption in the church is not unusual in itself.

Artists have influenced each other over time, depending on the circumstances. These effects can be in the use of colour, subject matter, art style, symbols, and so on. Students have been impressed by their teachers. The greatest influence in Schiele's painting "Cardinal and the Nun (Meditation)" is from Klimt's painting "Kiss", which was drawn by Klimt five years ago.

In this research, the symbolic meanings of the colours used in the painting "The Kiss" by Klimt and the painting "Cardinal and the Nun" by Schiele have been studied. Also, what effects do these two paintings have on the emotional perception of the audience in terms of the symbolic meaning of colours? Although they have the same theme, each of these paintings gives a different feeling

to the audience. One expresses love and affection and the other is fear and anxiety, which is due to the choice of colour by the artist, and the difference in the choice of colours is related to the artistic style, mind and feelings of the two artists. Klimt has used positive and light colours in this painting, but Schiele has used dark and negative colours, each of which has a symbol and meaning.

Artists have been able to use these colours to communicate their intentions to the audience. Klimt has used the colours of gold, brown and yellow more, which symbolizes and expresses glory, love, care, safety and success. Yellow is a symbol of activity and ambition. Emerald green is the colour of spring and a symbol of youth and vitality. Brown is a symbol of trust, comfort, intimacy and stability. He also used red colour in the decoration of women's clothes, which is a symbol of fertility and love.

Schiele in this painting of dark colours, used black, more than brown. Green and red are also seen. Black is a symbol of secrecy. Brown indicates earth and materialism. Red is the colour of passion, passion and passionate behavior. It is also a warning to not continue and not to move forward, a passionate and daring behavior. Schiele has used red in men's clothing, which is a symbol of masculine power. The sludge green colour indicates deterioration, obsolescence and erosion.

**Keywords:** Symbolism, Expressionism, Gustav Klimt, Egon Schiele, Symbol, Colour.